

بررسی رابطه هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی و افزایش خلاقیت و نوآوری در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان نورآباد ممسنی طی سال تحصیلی ۱۴۰۳

مریم فرخ پور^۱، سید محمود دهقانی^۲، سیده مهرناز دهقانی^۳

^۱ دانش آموخته ی کارشناسی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر رشته ادبیات عرب

^۲ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد نورآباد ممسنی، ایران.

^۳ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد نورآباد ممسنی، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دنیایی که در آن زندگی می کنیم به سرعت در حال تغییر است و تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، سازگاری و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می سازد. خلاقیت یک ویژگی ذاتی برای انسان به خصوص برای کودکان می باشد. بدون شک پیشرفت های بشر در زندگی حاصل خلاقیت و نوآوری است. که این ویژگی می تواند تحت تاثیر عوامل محیطی قرار گیرد و باعث شود که به نقطه اوج خو یعنی شکوفایی برسد. از جمله عوامل محیطی، نقش والدین، تحصیلات آنها، می تواند استعداد کودک را تحت تاثیر قرار دهد با فرضیه های مبرم و مشخصی در این طرح می توان مشخص کرد که شرایط محیطی تا چه اندازه بر استعداد و توانایی های کودک تاثیر می گذارد. محیط آموزشی، خلاقیت و استعداد عواملی هستند که با هم، همبستگی قابل تحملی را دارد. هدف پژوهش حاضر تعیین بررسی رابطه هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی و افزایش خلاقیت و نوآوری در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان نورآباد ممسنی بود. روش: روش انجام پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی و شیوه گردآوری اطلاعات - به صورت میدانی بود. جامعه آماری در این تحقیق کلیه مدیران و معلمان شهرستان نورآباد ممسنی که جمعا ۲۴۶ نفر زن و مرد در همه مقاطع می باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی است. تعداد ۱۵۰ نفر از مدیران و معلمان خصوصا مدارس ابتدایی شهرستان نورآباد ممسنی می باشد و ابزارهای اندازه گیری در این پژوهش شامل پرسشنامه ۲۴ گزاره ای هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) برای مدیران مدارس با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰۸ / و پرسشنامه ۲۹ گزاره ای شادکامی آکسفورد آرگایل (۲۰۰۱) برای دانش آموزان با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۸ و پرسشنامه خلاقیت تورنس ۶۰ سوالی استاندارد بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی جداول و

نمودارهای فراوانی و میانگین همچنین روش آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده گردید. بر اساس نتایج بدست آمده میان هوش معنوی مدیران و معلمان با شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت. همچنین هوش معنوی مدیران و معلمان بیشترین رابطه را با متغیر خلاقیت دانش آموزان داشت.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، شادکامی، خلاقیت، مدیران و معلمان، دانش آموزان ابتدایی

مقدمه

تاکنون در مراکز آموزش عالی و تربیت معلم کشور ما، برای آموزش هوش معنوی مدیران و معلمان و کادر آموزش و پرورش برنامه هدفمندی در نظر گرفته نشده است و اغلب گمان های نادرست درباره موضوع دارند که این نوع هوش بصورت طبیعی در انسان وجود دارد و برای بالا بردن آن نیاز به آموزش نیست و یا اینکه آن را با مذهب اشتباه می گیرند در حالی که هوش معنوی مفهومی گسترده تر از مذهب و معنویت را داراست (باغبان شوکت آبادی، ۱۳۸۵).

کارکردهای هوش معنوی در علم روان شناسی، درمان بیماریها، اصلاح فرهنگ و ناهنجاری های اجتماعی، آموزش و... نقش و جایگاه اساسی دارند. اکثر مدیران و معلمان که در این پژوهش با آن روبه رو شدیم هنوز واژه هوش معنوی(هوش منحصر به فرد انسانی (به گوششان نرسیده بود و در مدارس کشور ما برای بالابردن هوش معنوی دانش آموزان و همچنین در آموزش و پرورش کشور ما برای بالا بردن هوش معنوی مدیران و معلمان اقدامی صورت نمی گیرد، به استناد موارد فوق، تحقیق و پژوهش در زمینه هوش معنوی و کارکردهای آن در آموزش و پرورش و آموزش عالی و سایر سازمان های کشور ما لازم و ضروری می باشد و از نتایج حاصل از تحقیقات باید در امر برنامه ریزی آموزشی و درسی استفاده گردد. از آنجائی که در رابطه با هوش معنوی تحقیقات محدودی انجام شده است، جای تحقیق و پژوهش فراوانی در آموزش و پرورش در ارتباط با این موضوع و مؤلفه های آن وجود دارد. بنابراین اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت، به ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عرصه جدید احساس می شود، یکی از این ضرورت ها در عرصه انسان شناسی توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان به ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می کنند. ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه است. پژوهش درباره معنویت، امروزه در رشته های متنوع از قبیل پزشکی، روانشناسی، عصب شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است (سهرابی، ۱۳۸۵).

همچنین می توان گفت هوش معنوی فهم مسائل دینی و استنباط های درست فقهاتی را تسهیل نموده و می تواند در فهم مسائل اخلاقی و ارزش آنها به افراد یاری نماید (غباری بنات و همکاران، ۱۳۸۲) شادی از نظر کارکردی اهمیتی دوگانه دارد از یکسو شادی احساس مثبتی است که از حس ارضا و پیروزی حاصل می شود. از طرفی شادی اشتیاق انسان ها را برای پرداختن به فعالیت های اجتماعی آسان می کند. همچنین انسان های شاد و دارای شخصیت سالم، انسان های مسئولیت پذیر و شهروندانی خوب خواهند بود (بابایی کنیاری، ۱۳۷۹).

شادکامی متغیر دیگر پژوهش ما می باشد. شادی از نظر کارکردی اهمیتی دوگانه دارد ازیکسو شادی احساس مثبتی است که حس ارضا و پیروزی حاصل می شود. از طرفی شادی اشتیاق انسان ها را برای پرداختن به فعالیت های اجتماعی آسان می کند. همچنین انسان های شاد و دارای شخصیت سالم، انسان های مسئولیت پذیر و شهروندانی خوب خواهند بود (همان).

تاکنون در مراکز آموزش عالی و تربیت معلم کشور ما برای آموزش هوش معنوی و مدیران و معلمان و سایر فارغ التحصیلان برنامه ای در نظر گرفته نشده است و اغلب گمان های نادرست درباره این موضوع دارند که این نوع هوش ذاتی بوده و برای بالا بردن آن نیاز به آموزش نیست و یا اینکه آن را با مذهب اشتباه می گیرند در حالی که هوش معنوی مفهومی گسترده تر از مذهب و معنویت را داراست و کارکردهای آن در علم روانشناسی، درمان بیماریها، اصلاح فرهنگ و ناهنجاریهای اجتماعی، آموزش و غیره، نقش و جایگاه اساسی دارند. اکثر مدیران و معلمان ما هنوز واژه هوش معنوی (هوش منحصر به فرد انسانی) به گوششان نرسیده است و در مدارس برای بالابردن هوش معنوی دانش آموزان و همچنین در آموزش و پرورش برای بالا بردن

هوش معنوی مدیران و معلمان اقدامی صورت نمی گیرد، به استناد موارد فوق، تحقیق و پژوهش در زمینه هوش معنوی و کارکردهای آن در آموزش و پرورش و آموزش عالی و سایر سازمان های کشور ما لازم و ضروری می باشد و از نتایج حاصل از تحقیقات باید در امر برنامه ریزی آموزشی و درسی استفاده گردد. متأسفانه تحقیق در رابطه با این نوع هوش در آموزش و پرورش بسیار اندک و انگشت شمار صورت پذیرفته است.

خلاقیت در کودکان یک ویژگی قابل تقویت می باشد که نیاز به تحقیق و پژوهش عمیق دارد در حقیقت کار بر روی موضوعات خلاقیت و یادگیری در جوامع امروزی به خصوص کودکان یک امر ضروری است که با شناخت این مساله موضوعات مرتبط با آن نیز قابل حل است. نگاهی به منابع معتبر مربوط به خلاقیت، نوآوری و تفکر خلاق نشان می دهد که ریشه این اصطلاح در نوع و روش فکری انسان نهفته است. در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. (اسکیدمور، ۱۳۹۲) بررسی تعاریف خلاقیت نشان می دهد که عده ای از آنها به ویژگی های شخصیتی افراد، بعضی به فرآیند و برخی نیز به نتیجه و محصول خلاقیت پرداخته اند. بنابر تعریفی، خلاقیت توانایی مرزشکنی یا توانایی سفر به فراسوی چهارچوب استاندارد های علمی - شغلی - حرفه ای و اجتماعی را دربر می گیرد. به عبارتی دیگر خلاقیت هم درک و پذیرش الگوهای قبلی و هم تشکیل و ابداع الگوهای جدید را در حوزه های مختلف شامل می شود. (صافی؛ ۱۳۹۴) هالپرن خلاقیت را توانایی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقیق یک هدف می داند. از دیدگاه پرکینز تفکر خلاق، تفکری است که به نحوی تشکیل شده که منجر به نتایج تازه و خلاق می شود. خلاقیت را می توان با اشاره به چند توانایی ذهنی توصیف کرد که به تولید آثار خلاق منجر می شود. (ارغوانی فرد، ۱۳۹۵). فرآیند آموزش و یادگیری، می تواند تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی کاوشگر، آفریننده، مشکل گشا، نوآور، مولد و عامل تغییر را تربیت کند. در چند دهه ی نگرانی در مورد سلامت روان کودکان و تاثیر آن بر رشد، خلاقیت و عملکرد کودکان، همزمان با افزایش میزان شیوع اختلالات روانی قابل تشخیص به طور چشمگیری افزایش یافته است و بر همین اساس متخصصان بر اهمیت ارزیابی و درمان به موقع اختلالات روان شناختی تاکید می کنند (صفری و همکاران، ۱۳۹۱).

در مدارس مهم ترین وظیفه معلم و مدیر قبل از امر آموزش و هر مسئولیت دیگر در رابطه با دانش آموزان حفظ سلامت آنان می باشد که سلامت روانی نیز بخشی از این مورد بوده و یکی از مولفه های سلامت روانی، شادکامی و دوری از افسردگی می باشد که نقش شایان توجهی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.

در دنیای امروز مدیریت قلب زنده و تپنده سازمانها و مراکز آموزشی بشمار می رود که سواد، رفتار و کردار او بر سطح عملکرد و روحیات افرادی که در آن مراکز می باشند همچنین بهره وری آن افراد تاثیر می گذارد، در جهان امروزی کسی از سواد کافی برخوردار است که به میزان متناسبی از هوش های مختلف برخوردار باشد و هوش معنوی یکی از هوش های چندگانه می باشد. بر طبق تحقیقات آمونز (۱۹۹۹) هوش رفتار حل مساله است که در راستای تحصیل اهداف کاربردی و رشد بکار می رود، رفتار سازگارانه باعث کاهش تعارضات درونی در محیط کار می شود. هوش معنوی مدیران و معلمان مبتنی بر گزاره ای است که استفاده از راهبردها را برای غلبه بر مشکلات و حل مسائل ضروری می سازد. با توجه به جنبه ایدئولوژیکی آموزش و پرورش در ایران معمولاً مدیران و معلمان مدارس از میان افرادی گزینش می گردد که دارای تفکرات معنایی هستند و درکی از عالم معنا را داشته باشند مقید به ارزش های معنوی باشند و آموزش و پرورش بدنبال شخص معنوی است و هوش معنوی به قوه آگاهی از نیروها و امکاناتی که در طبیعت می باشد نیز بر می گردد و هوش معنوی به خصوصیات در افراد که شکیبایی و بخشش و روابط خوب با دیگران و اتکا به نیروهای غیرطبیعی می باشد نیز می انجامد. جورج (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان

استفاده علمی از هوش معنوی در محل کار دریافت که مدیران و معلمان با هوش معنوی می توانند یک روش متفاوت در اداره کردن افراد و هدایت آنها اتخاذ کنند. وی معتقد است که استفاده از هوش عقلانی، منطق تجزیه و تحلیل به منظور درک و کنترل هیجانات و احساسات فردی و احساسات دیگران نیز الزامی است. (صفری، ۱۳۸۹)

به استناد تحقیق باقرپور (۱۳۸۹) هوش معنوی با سبک رهبری تلفیقی، روحیه بالا و بهره وری بالا رابطه معنادار دارد. روابط انسانی مدیران و معلمان در روحیه و در بهره وری کارکنان تاثیر گذار می باشد که باید مدیریت گردد. مردم محیط های قومی و عشیره ای در ایران شدت تحت تاثیر دین و رسم و رسومات آبا و اجدادی خود می باشند و این تاثیرپذیری آنان را از مردم شهرهای بزرگ متمایز می سازد که شهرستان نورآباد ممسنی از این قاعده مستثنی نمی باشد.

مدیران و معلمان مدارس تهران بعضاً افرادی مذهبی و دارای تفکرات معنوی و پای بند مباحث علمی و ارزشهای دینی هستند و اکثراً به واجبات دینی عمل می نمایند. بعضاً مشاهده می گردد که این افراد از شادی و نشاط کافی برخوردار نبوده و روابط آنان در محیط کار معمولاً خشک و اداری می باشد و با معلمان و دانش آموزان به صورت خیلی محتاطانه و رسمی برخورد دارند و این جریان در مدارس متوسطه تاثیر بیشتری بر جای می گذارند.

در گذشته سازمانها برای گزینش و استخدام نیروهای کار و انتخاب بهترین کارمندان خود، تنها بهره هوشی راملاک قرار می دادند و فردی موفق قلمداد می شد که دارای IQ و سواد آکادمیک بالاتری بود. در دنیای پیشرفته کنونی بهره هوشی بالا به تنهایی ارزش بحساب نمی آید؛ چرا که تنها ۲۰٪ موفقیت را شامل می شود. حال آنکه ۸۰٪ از موفقیت به هوش هیجانی و معنوی نسبت داده شده است. (گلمن، ۱۳۸۳)

شادکامی از آن دسته مولفه های سلامت روانی می باشد که با عوامل مختلفی مانند عوامل تحصیلی، شخصیتی، ژنتیک، عوامل اقتصادی و کار، روابط اجتماعی و زندگی اجتماعی رابطه تنگاتنگی دارد همه این عوامل گاهی رابطه معنی دار و گاهی غیر معنی دار با شادکامی داشته اند. یکی از این متغیرها که می تواند با شادکامی رابطه داشته باشد هوش است. شواهد نشان می دهد دانش آموزانی که شادمان هستند به نظر خلاق تر و مطلوب تر بوده و حتی که عمر طولانی تری دارند و از نظر هوشی نیز افراد با هوشی هستند، اما اغلب نیل به شادکامی و رضایت از زندگی ساده و هیچ انسان موفق نیست که از هنر رضایت از زندگی برخوردار نباشد. (خویشتن دار، ۱۳۸۵، ص ۲).

حال به استناد اینکه دوره نوجوانی دوران گذر به سوی بزرگسالی و رویارویی باچالشهای خاص می باشد و نوجوان با فشارها و انتظاراتی از هر دو دوره دست به گریبان هست و تحت تاثیر تغییرات هورمونی ناشی از بلوغ، تغییرات خلق و خو و فشار همسالان است و این عوامل تصمیمات و اقدامات نوجوان را تحت تاثیر می گذارد و با توجه به این که شادکامی بر دل بستگی و عزت نفس در دانش آموز و سلامت روانی و جسمانی او تاثیر گذار است. و بر یادگیری دانش آموزان و تلاش برای پیشرفت وی و به طور کلی بر بازدهی فردی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی وی تاثیر می گذارد. با توجه به عوامل گفته شده در بالا نسبت شادکامی دانش آموزان متوسط یا بالا است یا پایین، اما جوهر مدرسه ای بر اساس کارکرد مدیر و معلم و روحیات آنان است اکنون آیا می توان پرسید که هوش معنوی مدیران و معلمان در شادکامی دانش آموزان آنها تاثیر دارد یا خیر؟

به طور کلی معلمان می توانند به انحاء مختلف بر دانش آموزان تاثیر بگذارند هوش معنوی مدیران یکی از جمله شاخص ها و مولفه های اثر گذار بر عملکرد دانش آموزان می باشد در این پژوهش به دنبال این رویکرد هستیم که تا چه میزان هوش معنوی معلمان بر خلاقیت دانش آموزان موثر می باشد و آیا توجه به هوش معنوی معلمان می تواند بر افزایش خلاقیت و نوآوری دانش آموزان موثر افتد. و از طرف توجه معلمان به بحث ارزش ها می تواند بر نوآوری دانش آموزان موثر واقع شود.

داینر وساه (۲۰۰۲) شادکامی را شامل سه جز می دانستند که عبارتند از جز شناختی؛ یعنی نوعی تفکر و پردازش که منجر به خوشبختی فرد می شود. جزء عاطفی و هیجانی؛ که همان خلق شاد و مثبت است و جز اجتماعی؛ که بیانگر گسترش روابط اجتماعی با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت می باشد. (همتایان، ۱۳۸۵).

در این ارتباط داینر (۲۰۰۲) معتقد است که وقتی از مردم پرسیده می شود «فرد شادکام چه کسی است؟» در پاسخ، به یک شبکه حمایتی از روابط درون فرهنگی اشاره می کنند که به تفسیر مثبت و خوش بینانه از رویدادهای روزمره زندگی می انجامد. (سالوی، پیترو و همکاران، ۱۹۹۳).

طبق نظر داینر (۲۰۰۲) شادکامی ارزشیابی هایی است که افراد از خود و زندگی خود به عمل می آورند. این ارزشیابی ها می تواند جنبه ی شناختی داشته باشد، مانند قضاوت هایی که در مورد رضایت از زندگی صورت می گیرد و یا جنبه ی عاطفی که شامل خلق هیجاناتی است که در واکنش رویدادهای زندگی ظاهر می شود. بنابراین شادکامی از چهار جز تشکیل یافته که عبارتند از رضایت از زندگی، خلق و هیجانات مثبت و خوشایند، خوش بینی، عزت نفس، احساس شکوفایی و نبود خلق و هیجانات منفی. در این نظریه ویژگی افراد شادکام عبارت است از: داشتن دستگاه ایمنی قوی تر و عمر طولانی تر، برخورداری از روابط اجتماعی بهتر، مقابله مؤثر با موقعیت های مشکل، خلاقیت، موفقیت بیشتر و شانس زیادتر برای کمک به دیگران. لوکاس، وداینر (۲۰۰۲) با اشاره به بررسی ویلسون (۱۹۶۷) در مورد شادکامی معتقدند بسیاری از نتیجه گیریهای او از طریق مطالعات بعدی مورد تأثیر قرار گرفته است. ویلسون با بررسی شواهد تجربی و هم بسته های شادکامی این طور نتیجه گیری کرده بود که فرد شادکام فردی ست: زنده دل، سالم و فرهیخته، برون گرا، خوش بین، آزاد از نگرانی، مذهبی، دارای عزت نفس بالا و برخوردار از اخلاق حرفه ای، تمایلات فروتنی و هوش (داینر، ۲۰۰۲).

بنابر نظریه آرگایل (۲۰۰۱) شادکامی از دو جزء اساسی عاطفی و شناختی تشکیل شده است. او بر این باور است که اگر از مردم سؤال شود «شادکامی چیست؟» دو نوع پاسخ را مطرح می کنند: الف: ممکن است حالات هیجانی مثبت مانند لذت بردن را عنوان کنند. ب: به طور کلی آن را راضی بودن از زندگی یا رضایت از بیشتر جنبه های زندگی بدانند.

از نظر آرگایل شادکامی متضاد افسردگی نمی باشد، اما شرط عدم افسردگی را برای شاد کامی لازم می داند (آرگایل، ۲۰۰۱، ترجمه گوهری و همکاران، ۱۳۸۲). اریکسون (۲۰۰۳) شادکامی را هدف نهایی زندگی و شادکامی واقعی را در پرتو معنی دار و ارزشمند زندگی می داند و اعتقاد بر این است که شادکامی و خوشبختی ذهنی موقعی به دست می آید که افراد به اهداف مبتنی بر ارزش ها و نیازهای خود جامعه عمل بپوشانند. (صفری، ۱۳۸۹) گروه گیلفورد موفق شد قابلیت هایی نظیر سیالی ذهن، انعطاف پذیری و حساسیت نسبت به مسائل را کشف کند. پس از گیلفورد گروه «بارون و مک میلان» با هدف تعیین ویژگی های شخصیتی افراد خلاق تحقیقات دامنه داری را در دانشگاه کالیفرنیا انجام دادند. همچنین تحقیقات پل تورنس در مورد روش های پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان نتایج پرباری را به همراه داشت. (بوهم، ۱۳۹۱). تایلور و همکاران با جمع آوری سرگذشت افرادی که از لحاظ علمی سرآمد محسوب می شدند، سعی کردند خصوصیات و ویژگی های افراد خلاق را مشخص کنند. تحقیقات مربوط به خلاقیت از آن زمان تاکنون به طور خستگی ناپذیری ادامه یافت و روز به روز بر وسعت و غنای موضوعات مورد مطالعه افزوده می شود (پیرخائفی، ۱۳۹۲).

تارنس یکی از پیشکسوت های قلمرو خلاقیت و نوآوری است که سال ۱۹۸۸ چهار نوع خلاقیت را در کتاب خود آورده است. به گفته وی یک کودک خلاق دارای قدرت تفکر واگراست، قدرت تفکر سیال و روانی دارد و با قدرت انعطاف پذیری بالایش، سازگاری او بیش از کودکان دیگر است و دارای قدرت شرح و بسط بیش از حد معمول است. به گفته دکتر پروند، برخی عوامل

که قدرت خلاقیت و نوآوری را در کودکان تضعیف می‌کند، شامل محدودیت‌هایی است که بزرگ‌ترها و خانواده برای او ایجاد می‌کنند، همچنین تنبیه کردن، بی‌مهری، اخم کردن در برابر کارهایی که انجام می‌دهد و اجبار کردن کودک به رعایت مقررات خشک و محدودیت‌های فردی و جمعی می‌تواند تأثیرات منفی دربرداشته باشد. وی همچنین استهزا و مسخره کردن کودک، ایجاد ترس از به هم خوردن اوضاع آرام خانواده و محیط و پیشداوری‌های غلط درباره کودک را از موارد کاهش خلاقیت در کودکان ذکر می‌کند. گفتنی است؛ تعصبات فردی، قبیله‌ای، محلی و انواع حسادت‌ها نیز از عوامل تضعیف خلاقیت به شمار می‌رود. (تورنس، نی پال، ۱۳۹۵).

اگر خلاقیت را بکارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید بدانیم و ابداع را به معنی بکارگیری اندیشه‌های جدید ناشی از خلاقیت بدانیم و اگر آدمی را در هستی موجودی حقیقت جو و جستجوگر کمال گرا، خودآگاه، مسئول آفریننده و هنرمند بدانیم و اگر سازندگی صنعت گری و هنرنمایی را از خصایص مهم انسانی به شمار آوریم و اگر باور داشته باشیم که انسان قادر است از کوچکترین مشکل تا عظیم‌ترین منابع، آثار هنری را خلق کند و در فطرت از قدرت الهی بهره گیرد و استعداد و خلاقیت خود را در طبیعت به صورت صنعت در ماوراء طبیعت به صورت هنر تجلی بخشد و اگر به نظر ژان پیاژه هدف اصلی آموزش و پرورش را آفرینش انسان‌های توانا به انجام کارهای نو انسان‌های خلاق و کارآفرین بدانیم وظیفه و رسالت سازمان‌های آموزش و پرورش این است که با بکارگیری مدیران مبتکر و نوآور و ارائه طرح‌های جدید و روش‌های نو زمینه بروز این ویژگی‌های آدمی را متعلمان و معلمان فراهم سازند و فضای مدرسه را به فضای بالنده، خلاق، مبتکر، روح افزا، گرم و صمیمی، اثربخش و لذت بخش تبدیل کند. (صافی؛ ۱۳۹۴) قاسمی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان بررسی «با عنوان نقش شادکامی در رابطه با سبک‌های دلبستگی و عزت نفس دانش‌نایج» آموزان این پژوهش نشان داد که شادکامی نقش واسطه‌گری در عزت نفس و سبک‌های دلبستگی دارد، به صورتی که شادکامی نه تنها می‌تواند سبب افزایش عزت نفس در افراد با سبک دلبستگی ایمن گردد بلکه در میزان عزت نفس افراد با سبک دلبستگی مضطرب نیز نقش دارد. دیوید مک نایت (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین معنویت و رضایت از زندگی پرداخت و به این نتیجه رسید که بین معنویت و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش وی نشان داد که سطح رضایت از زندگی در افرادی که با معنویت مشکل داشتند، کمتر است.

تاکنون در مراکز آموزش عالی و تربیت معلم کشور ما برای آموزش هوش معنوی و مدیران و معلمان و سایر فارغ التحصیلان برنامه‌ای در نظر گرفته نشده است و اغلب گمان‌های نادرست درباره این موضوع دارند که این نوع هوش ذاتی بوده و برای بالا بردن آن نیاز به آموزش نیست و یا اینکه آن را با مذهب اشتباه می‌گیرند در حالی که هوش معنوی مفهومی گسترده‌تر از مذهب و معنویت را داراست و کارکردهای آن در علم روانشناسی، درمان بیماریها، اصلاح فرهنگ و ناهنجاریهای اجتماعی، آموزش و غیره، نقش و جایگاه اساسی دارند. اکثر مدیران و معلمان ما هنوز واژه هوش معنوی (هوش منحصر به فرد انسانی) به گوششان نرسیده است و در مدارس برای بالابردن هوش معنوی دانش‌آموزان و همچنین در آموزش و پرورش برای بالا بردن هوش معنوی مدیران و معلمان اقدامی صورت نمی‌گیرد، به استناد موارد فوق، تحقیق و پژوهش در زمینه هوش معنوی و کارکردهای آن در آموزش و پرورش و آموزش عالی و سایر سازمان‌های کشور ما لازم و ضروری می‌باشد و از نتایج حاصل از تحقیقات باید در امر برنامه ریزی آموزشی و درسی استفاده گردد. متأسفانه تحقیق در رابطه با این نوع هوش در آموزش و پرورش بسیار اندک و انگشت شمار صورت پذیرفته است.

-مدل تحقیق



روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع آوری داده ها از نوع میدانی است. از آنجا که محقق در این تحقیق به بررسی رابطه میان دو متغیر هوش معنوی و شادکامی و خلاقیت دانش آموزان مقطع ابتدایی می پردازد این تحقیق از نظر روش انجام تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی پیشبینی می باشد. در این تحقیق پژوهشگر میزان همبستگی میان سه متغیر هوش معنوی و شادکامی و خلاقیت دانش آموزان را مورد ارزیابی قرار داده است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه مدیران و معلمان شهرستان نورآباد ممسنی که جمعا ۲۴۶ نفر زن و مرد در همه مقاطع می باشد. کل شهرستان نورآباد ممسنی بالغ بر ۱۴۸۸ نفر می باشند که در سال تحصیلی ۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بوده اند.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

روش نمونه گیری به صورت تصادفی است. تعداد ۱۵۰ نفر از مدیران و معلمان خصوصاً مدارس ابتدایی شهرستان نورآباد ممسنی می باشد.

جدول ۱- نمونه آماری

نمونه آماری	معلمان مرد	معلمان زن
۱۵۰	۸۷	۶۳

-ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش**-پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸):**

پرسشنامه هوش معنوی کینگ که دارای ۲۴ گزاره می باشد و بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت درجه بندی شده است و جمع نمره گذاری های بیست چهار گانه گانه نمره کل مقیاس را از امتیاز ۰-۴ تشکیل می دهد که دامنه آن از ۰ تا ۹۶ متغیر می باشد. گزاره ها بر اساس چهار مؤلفه تفکر وجودی، تولید

معنای شخصی، بسط هوشیاری و آگاهی متعالی می باشد. بار عاملی گزاره ها بر روی مؤلفه ها به ترتیب زیر می باشد:

۳- تفکر - وجودی: گزاره های شماره، ۲۱، ۱۷، ۱۳، ۹، ۵، ۳، ۱

۲- تولید - معنای شخصی: گزاره های شماره، ۲۳، ۱۹، ۱۵، ۱۱، ۷

۳- گسترش - و بسط هوشیاری: گزاره های شماره، ۲۴، ۱۶، ۱۲، ۸، ۴

۴- آگاهی - متعالی: گزاره های شماره ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۴، ۱۰، ۶، ۲

بار عاملی هر کدام از سؤالات پرسشنامه هوش معنوی کینگ با مؤلفه های هوش معنوی مدل کینگ، همچنین میزان همبستگی هر سؤال با کل سؤالات و میزان همبستگی که چهار مؤلفه هوش معنوی مدل کینگ(تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، گسترش و بسط هوشیاری (با هم دارند، آورده شده است.

-پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۲۰۰۱)

پرسشنامه شادکامی آکسفورد تجدید نظر شده توسط آرگیل ۲۰۰۱ که دارای ۲۹ گزاره چهار گزینه ای می باشد که به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره گذاری می شود و جمع نمره های گزاره های ۲۹ گانه نمره کل مقیاس را تشکیل می دهد که بالاترین نمره شادکامی ۸۷ می باشد و بر اساس ۷ مؤلفه(خود پنداری، رضایت از زندگی، آمادگی روانی، سر ذوق بودن، احساس زیبا شناختی، خودکارآمدی و امیدواری است (استفاده می شود. بارهای عاملی گزاره ها روی این عامل ها مؤلفه ها ارائه شده اند. بارهای عاملی تعیین کننده با قلم پر رنگ درج شده اند. اختصاص گزاره ها به عامل ها بر اساس بیشترین بار عاملی بیشتر (۳/ از) صورت گرفته است. در سوال های، ۵، ۷، ۱۶ و ۲۲ بیشترین بار عاملی کمتر از ۰/۳ بود، در گزاره های ۷ و ۲۲ بار عاملی تفاوت چندانی با ۰/۳ نداشت، و گزاره ۱۶ نیز با توجه به هماهنگی معنایی با سایر گزاره هایی که در عامل چهارم قرار دارند در این عامل جای گرفت و تنها گزاره ۵ بعلت داشتن پایین ترین بار عاملی و همگون نبودن با سایر گزاره های عامل اول حذف شد. گزاره ۲۷ نیز که در دو عامل ۵ و ۶ بار نزدیک به هم داشت بر اساس اشتراک مفهومی با گزاره دیگر در عامل ۵ قرار گرفت.

نام های پیشنهادی مؤلفه ها برای گزاره ها به ترتیب زیر می باشند:

۱- خود - پنداری (گزاره های، ۲۴، ۲۳، ۱۹، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۱، ۶)

۲- رضایت از زندگی (گزاره های ۱۲، ۹، ۳)

۳- آمادگی روانی (گزاره های، ۲۵، ۲۱، ۲۰، ۱۸)

۴- سر ذوق بودن (گزاره های، ۱۵، ۱۱)

۵- احساس زیبا شناختی (گزاره های، ۲۷، ۱۱، ۷، ۴، ۲)

۶- خود - کارآمدی (گزاره های، ۲۶، ۲۲، ۱۷، ۸)

۷- امیدواری (گزاره های ۲۸ و ۲۹)

این پژوهش به صورت میدانی و توزیع پرسشنامه صورت گرفت که پس از اخذ مجوز های لازم از اداره آموزش و پرورش با اطمینان دادن به شرکت کنندگان در مورد محرمانه ماندن داده ها، پرسشنامه ها توزیع و تکمیل گردید.

به منظور دستیابی به داده ها پژوهش با مراجعه به واحد آمار و بودجه اداره آموزش و پرورش شهرستان نورآباد ممسنی، فهرست کامل دبیرستان های پسرانه و دخترانه و تعداد مدیران و دانش آموزان آنها دریافت گردید که پس از بررسی دانش آموزان مشغول به تحصیل در مرکز یاد شده، مقطع دبیرستان های روزانه دولتی، نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. لذا با مراجعه حضوری به دبیرستان های پسرانه و دخترانه و توزیع پرسشنامه ها میان مدیران و دانش آموزان مورد نظر با همکاری دبیران محترم و ارائه توضیحات لازم در خصوص تکمیل آنها داده های مورد نیاز جمع آوری گردید.

پرسشنامه سنجش خلاقیت تورنس

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۹ توسط تورنس ساخته شده است.

پرسشنامه خلاقیت تورنس دارای ۶۰ سوال است که جواب هر سوال دارای سه گزینه متفاوت است.

این پرسشنامه در چهار مولفه میزان خلاقیت افراد را می سنجد که عبارتند از:

سیاسی: قدرت تولید ایده ها و جواب های فراوان (سوال ۱-۱۵ برای سنجش بعد سیاسی خلاقیت است)

انعطاف: توانایی لازم برای تغییر جهت فکری یا توانای تولید ایده های متنوع (سوال ۱۶-۳۰ برای سنجش بعد انعطاف پذیری افراد است)

ابتکار: توانایی تولید ایده یا محصول نو و بدیع: یعنی پاسخ های فرد قبلاً دیده نشده باشد و جدید و نو باشد. (سوالات ۳۱-۴۵ برای بررسی این بعد از خلاقیت است)

بسط با جزئیات: توانایی توجه به جزئیات وابسته به یک ایده: یعنی افراد خلاق به جزئیات یک ایده توجه بیشتری نشان می دهند. (سوالات ۴۶-۶۰ برای سنجش بعد بسط جزئیات خلاقیت است)

روائی پرسشنامه

روایی (اعتبار) در اصل به صحت و ابزار درستی اندازه گیری محقق بر می گردد. همانطور که قبلاً گفته شد ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است. اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه گیری های نامناسب و ناکافی می تواند هر پژوهش علمی را بی ارزش و ناروا سازد. در این تحقیق علاوه بر اشراف محقق بر موضوع مورد مطالعه، به منظور قوت

بخشیدن هر چه بیشتر به ابزار اندازه گیری جهت بررسی روائی پرسشنامه، پرسشنامه تنظیم شده و مراحل تنظیم آن به رویت اساتید راهنما و مشاور و تعدادی صاحب نظران در حوزه تحقیق رسیده و پس از اخذ نقطه نظرات آنان، به اصلاح آن اقدام و در نهایت پرسش نامه نهایی تنظیم گردید و بر این اساس روایی وسیله اندازه گیری (پرسشنامه) به طریق محتوایی حاصل شده است.

پایایی پرسشنامه

برای آزمون پایایی، تعداد ۳۰ پرسشنامه بطور آزمایشی در بین جامعه آماری توزیع و پس از تکمیل دریافت شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای مولفه های تحقیق به شکل جدول زیر به دست آمد.

جدول ۱ بررسی پایایی پرسشنامه ها

ردیف	مولفه های مورد بررسی	ضریب الفای کرونباخ
۱	شادکامی	۰/۷۸
۲	هوش معنوی	۰/۸۵
۳	خلاقیت	۰/۸۹

همان طور که ملاحظه می شود در پرسشنامه ها ضریب آلفای محاسبه شده از ۰/۷۵ بالاتر است، بنابراین می توان نتیجه گرفت، پرسشنامه های مورد استفاده از پایایی لازم برخوردار است.

-روش گردآوری اطلاعات

جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای و میدانی استفاده می شود. جهت تدوین مبانی نظری و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه ای و جهت گردآوری داده ها از جامعه آماری با استفاده از پرسشنامه از روش میدانی استفاده می شود. برای تعیین اعتبار و روایی این پرسشنامه هرکدام از آنها، پایاسنجی و رواسازی شد.

-روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده پژوهش با توجه به فرضیه های تحقیق یعنی نشان دادن وضعیت هوش معنوی مدیران و معلمان مدارس اعم از زن و مرد و نشان دادن وضعیت شادکامی دانش آموزان اعم از دختر و پسر از آمار توصیفی استفاده می شود و برای نشان دادن رابطه مولفه های هوش معنوی مدیران و معلمان تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هوشیاری و آگاهی متعالی با شادکامی دانش آموزان از آمار استنباطی استفاده شد. بعد از گردآوری داده ها و ورود آن به نرم افزار SPSS نسخه ۲۶، فرضیه های تحقیق با روش های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در آمار توصیفی، برای تحلیل داده ها از میانگین و انحراف معیار و... استفاده شده و در آماراستنباطی برای تحلیل داده ها و بررسی فرضیه های پژوهش با توجه به اینکه داده ها در مقیاس فاصله ای هستند، از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس استفاده شده است.

فرضیه اصلی تحقیق

بین هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی و افزایش خلاقیت و نوآوری در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان نورآباد ممسنی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۲- آماره های توصیفی هوش معنوی و شادکامی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
هوش معنوی	۲.۳۶	۰/۳۱۹
شادکامی	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵
خلاقیت	۳.۷	۰/۵۴۲۴

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار (پراکندگی داده ها) مشخص شده است.

جدول ۳- ضریب همبستگی بین هوش معنوی و شادکامی و خلاقیت

متغیرها	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
هوش معنوی و شادکامی و خلاقیت	ضریب همبستگی	۰/۵۱۳
	معناداری	۰/۰۳

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و شادکامی و خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ≤ 0.05 قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد. چون ضریب معناداری ۰/۰۳ می باشد و از سطح معنا داری ≤ 0.05 بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است به عبارتی هر چه میزان هوش معنوی دار دانش آموزان افزایش یابد به همان نسبت کیزان شادکامی و خلاقیت افزایش می یابد.

فرضیات فرعی تحقیق

فرضیه اول: ۱- هوش معنوی مدیران و معلمان تا چه میزان بر شادکامی دانش آموزان موثر می باشد..

جدول ۴- آماره های توصیفی بین هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی دانش آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
هوش معنوی	۲.۳۶	۰/۳۱۹
شادکامی	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار (پراکندگی داده ها) مشخص شده است.

جدول ۵ ضریب همبستگی بین هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی دانش آموزان

متغیرها	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
بین هوش معنوی مدیران و معلمان بر شادکامی دانش آموزان	ضریب همبستگی معناداری	۰/۷۱۵ ۰/۰۲

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون هوش معنوی مدیران و معلمان تا چه میزان بر شادکامی دانش آموزان موثر می باشد. زیرا سطح معناداری ≤ 05 قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد و از سطح معنا داری ≤ 05 بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است. بر اساس یافته های پژوهش هر چه میزان هوش معنوی مدیران و معلمان افزایش یابد به همان نسبت میزان شادکامی دانش آموزان افزایش می یابد.

جدول ۶-آماره های توصیفی تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان

انحراف معیار	میانگین	متغیرها
۰/۵۴۶۴	۴۰۱۳	تولید معنای شخصی مدیران و معلمان
۰/۶۶۲۵	۳۰۲۷۴۱	شادکامی دانش آموزان

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار (پراکندگی داده ها) مشخص شده است.

فرضیه دوم: بین تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۷ ضریب همبستگی بین تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان

متغیرها	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
بین تولید معنای شخصی و شادکامی	ضریب همبستگی معناداری	۰/۶۱۳ ۰/۰۵

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ≥ 05 قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۵ می باشد و از سطح معنا داری ≥ 05 بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است.

فرضیه سوم: بین بسط هوشیاری مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد .

جدول ۸ آماره های توصیفی بسط هوشیاری مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
بسط هوشیاری مدیران	۲.۱۱	۰/۴۵۲۴
شادکامی دانش آموزان	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار (پراکندگی داده ها) مشخص شده است.

جدول ۹ ضریب همبستگی بین بسط هوشیاری مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان

متغیرها	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
بسط هوشیاری و شادکامی	ضریب همبستگی	۰/۷۰۱
	معناداری	۰/۰۲

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بسط هوشیاری مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ≥ 0.05 قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می - گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد و از سطح معنا داری ≥ 0.05 بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است.

فرضیه چهارم: بین آگاهی متعالی مدیران و معلمان وشادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰-آماره های توصیفی آگاهی متعالی مدیران و معلمان وشادکامی دانش آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
آگاهی متعالی مدیران	۳.۵۴۲	۰/۳۵۵۴
شادکامی دانش آموزان	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار (پراکندگی داده ها) مشخص شده است.

جدول ۱۱ ضریب همبستگی بین آگاهی متعالی وشادکامی

متغیرها	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
بین آگاهی متعالی وشادکامی	ضریب همبستگی	۰/۵۱۷
	معناداری	۰/۰۱

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین آگاهی متعالی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\text{sig} \geq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق‌الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می‌گیرد چون ضریب معناداری $0/01$ می‌باشد و از سطح معنا داری $\text{sig} \geq .05$ بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است.

تبیین فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: بین هوش معنوی مدیران با شادکامی و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنا داری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون استفاده گردید ضریب همبستگی محاسبه شده بین هوش معنوی مدیران و معلمان با شادکامی و خلاقیت دانش آموزان $0/513$ می‌باشد و سطح معناداری آن $0/03$ می‌باشد. نتایج حاصله نشان داد که همبستگی بین کل نمرات آزمون هوش معنوی مدیران مدارس با شادکامی و خلاقیت دانش آموزان آنان از لحاظ آماری معنی دار و مثبت است. به بیان دیگر مدیرانی که دارای هوش معنوی بالا هستند، دانش آموزان آنان دارای شادکامی بالایی هستند و با بالا آمدن هوش معنوی مدیران، شادکامی دانش آموزان نیز بالا می‌رود. بر اساس یافته های تحقیقات پیشین جدول ماتریس همبستگی هوش معنوی مدیران و معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران بیشترین رابطه را با خود کارآمدی دانش آموزان دارد. سر ذوق بودن، آمادگی روانی، امیدواری و... دانش آموزان به ترتیب در مراحل بعدی رابطه داری با هوش معنوی مدیران در این پژوهش قرار دارند. هوش معنوی مدیران سازه ای چند وجهی است که با ارتباط با سلامت معنوی و روانی مدیران موجبات دانش و آگاهی آنان نسبت مسائل و مشکلات محیط های آموزشی و مدارس را فراهم کرده، با استفاده از مشارکت، روابط بین فردی و خصوصیات وجودی معنوی دانش آموزان با مؤلفه های شادکامی آنان ارتباط دارد و دانش آموزان چنین مدرسی در رویارویی با مشکلات زندگی فردی، اجتماعی و تحصیلی توان برخورد، سازگاری با محیط و بازسازی شکست ها و فرصت های از دست رفته را دارند. مدیران با هوش معنوی بالا مدرسی اثر بخش جهت رشد و پرورش دانش آموزان خودکارآمد را فراهم می نمایند. خودکارآمدی دانش آموزان آنان را از اضطراب و ناراحتی دور ساخته و دانش آموز با آمادگی روانی در کلاس درس حاضر گریده و راه کمال و ترقی را در پیش می گیرند. دانش آموزان در مدارس اثربخش با ذوق و اشتیاق به تحصیل ادامه می دهند و نسبت به آینده امیدوار و خوشبین هستند و از درس، مدرسه و عوامل آموزشی آن رضایت دارند که این با رضایت از زندگی و شادکامی آنان رابطه دارد.

بین تولید تفکر وجودی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنا داری وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تفکر وجودی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\text{sig} \geq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق‌الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می‌گیرد چون ضریب معناداری $0/02$ می‌باشد و از سطح معنا داری $\text{sig} \geq .05$ بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است.

تفکرات وجودی، انتقادی مدیران باعث می شود که مدیران و معلمان مدارس و معلمان تهران در شرایط مختلف در محیط آموزشی قدرت انعطاف پذیری داشته باشند و در مواردی که باید پاسخگو باشند بدون هر گونه فشار و با تمرکز کامل پاسخگو دانش آموزان خود باشند و توانایی باز سازی محیط مدرسه بعد از شکست، اشتباه و یا از دست رفتن هرگونه فرصت را داشته باشند. در چنین شرایطی دانش آموزان آنها از رفتار سازشی بالایی برخوردار شده و دارای سازگاری اجتماعی می شوند و این خود موجبات افزایش روحیه مشارکتی دانش آموزان در زمینه های فردی و تحصیلی شده باعث کسب مهارتها و افزایش

تواناییهای دانش آموزان در زندگی فردی و اجتماعی می گردد. در اینگونه مدارس شور، نشاط و آمادگی روانی بر دانش آموزان در محیط مدرسه و کلاس درس حاکم گردیده و آمادگی و سلامت روانی دانش آموزان با آمادگی و سلامتی جسمانی آنان ارتباط دارد. این نتایج با یافته پژوهش امیر پور (۱۳۹۱) هم سو می باشد. وی طی تحقیقات خود پی برد که بین تفکر انتقادی و ابعاد آن به جز بالندگی با شادکامی و عزت نفس دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و تفکر انتقادی قادر به پیش بینی شادکامی و عزت نفس اجتماعی هست.

بین تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تولید معنای شخصی مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\text{sig} \geq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری 0.05 می باشد و از سطح معنا داری $\text{sig} \geq .05$ بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است. بر اساس یافته های تحقیقات پیشین جدول ماتریس همبستگی، تولید معنای شخصی (معنا یابی) مدیران و معلمان تهران بیشترین ارتباط را با رضایت از زندگی دانش آموزان دارد. خودکارآمدی، خود پنداری، امیدواری و... دانش آموزان به ترتیب در مراحل بعدی ارتباط با معنا یابی شخصی مدیران، در این پژوهش قرار دارند. هوش معنوی و ارتباطات ذهنی با مبدأ هستی موجب احساس نزدیک بودن به خداوند می شود و احساس امنیت را در افراد بوجود می آورد. شادی های حسی گذرا هستند اما شادی هایی که از درون انسان نشأت می گیرد پایدار می باشند و موجب خوش بینی و رضایت از زندگی می شوند. مدیرانی که به هدف و معنای زندگی پی برده اند با امیدواری و خوش بینی به مسائل و مشکلات مدارس می نگرند، درچنین مدرسی رضایتمندی، عواطف مثبت، عزت نفس، شادی و ثمردهی بالا بوده و هیجانات منفی کم است. در مدارس اثربخش دانش آموزان تهران خودانگیزه بوده و دارای اشتیاق و پشتکار برای انجام فعالیت های خود می باشند. بدین ترتیب از درس، مدرسه و تحصیل درمراتب بالاتر زندگی رضایت دارند با دید مثبتی به امور می نگرند و دعا و نیایش دارند. این نتایج با یافته پژوهش های مُلتبای، لوئیز و دی (۲۰۰۰) هم سو می باشد آنان بعد از تحقیقات خود اعلام داشتند که راه رسیدن به شادکامی و خوشبختی را در پرتو توجه به ارزشها و هدف های معنوی، نیازهای بنیادی، معنادار بودن و هدفمندی زندگی، عشق و علائق دینی و الهی می دانند. گینا (۱۹۹۶) دریافت که سلامت معنوی با گرایش درونی به مذهب همبستگی دارد و تعهد جدی نسبت به مذهب به خودی خود می تواند هدف نهایی تلقی شود و داشتن هدف در زندگی با شادی همبستگی مثبت دارد. همچنین یافته های تحقیق با یافته های تحقیق باقری (۱۳۸۸) هم سو می باشد. وی نتیجه گرفت که میان سه متغیر هوش معنوی و شادکامی یعنی خودآگاهی متعالی و تجربیات معنوی و شکیبایی با نمره کل هوش معنوی و شادکامی پرستاران رابطه معنی دار خطی وجود دارد.

بین بسط هوشیاری مدیران و معلمان و شادکامی دانش آموزان تهران رابطه معنادار وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بسط هوشیاری مدیران و معلمان شادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\text{sig} \geq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری 0.02 می باشد و از سطح معنا داری $\text{sig} \geq .05$ بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است.

بر اساس یافته های تحقیقات پیشین جدول ماتریس همبستگی، گسترش هوشیاری مدیران و معلمان تهران بیشترین رابطه را با احساس زیبا شناختی دانش آموزان دارد. خودکارآمدی، امیدواری، خودپنداری و... دانش آموزان به ترتیب در مراحل بعدی ارتباط با بسط هوشیاری مدیران، در این پژوهش قرار دارند. هنگامی که مدیران مدارس هوشیاری خود را نسبت به مواردی که کمتر به چشم می خورد نشان دهند و محیط مدرسه را دارای معنا و مفهوم و زیبا بسازند، دانش آموزان به اندازه ظرفیت ذهنی خود در پی شناسایی زیبایی های پیرامون خود گردیده و هنگامی که ذهن دانش آموزان مملو از زیبایی های معنوی محیط گردد عواطف مثبت انسانی در وی رشد افزون تری می یابد. احساس زیبا شناختی سبب ارتباطی همراه با همدلی میان دانش آموزان می گردد، ارتباط گسترده تر، شور و نشاط و افزایش پیشرفت تحصیلی آنان را دربر دارد شناسایی ذهنی زیبایی ها توسط دانش آموزان موجب شادی آنان می شود و انسان فطرتاً موجودی زیبا دوست است که اسباب این نیاز فطری را مدیران با گسترش هوشیاری خود به انجام می رسانند. این نتایج با یافته پژوهش های پولنر (۲۰۱۳) همسو می باشد وی دریافت که حمایت اجتماعی ثابت، احساس نزدیک بودن به خدا و داشتن تصور دوستانه با خدا با شادکامی ارتباط دارد. ۲۰۰۰ بیان داشته است این عقیده که در جهان یک نیرو و مقصد والا وجود دارد می تواند به خوشبختی و شادکامی افراد بیافزاید. افراد شادکام، افکار و رفتارهایی دارند که سازگار و کمک کننده می باشند، با دید روشنی به امور می نگرند دعا و نیایش دارند و به طور مستقیم برای مسائل خود تلاش و کوشش نشان می دهند.

فرضیه چهارم: بین آگاهی متعالی مدیران و معلمان وشادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین آگاهی متعالی مدیران و معلمان وشادکامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $sig \geq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری 0.01 می باشد و از سطح معنا داری $sig \geq .05$ بیشتر است پس فرضیه قابل قبول است. بر اساس یافته های تحقیقات پیشین جدول ماتریس همبستگی، آگاهی متعالی مدیران و معلمان بیشترین رابطه را با احساس خود پنداری دانش آموزان دارد. خودکارآمدی، سرذوق بودن، رضایت از زندگی و... دانش آموزان به ترتیب در مراحل بعدی ارتباط با آگاهی متعالی مدیران، در این پژوهش قرار دارند. مدیرانی که در سطح بالایی از آگاهی متعالی برخوردارند از مسائل و مشکلات ظاهری مدارس فراتر می روند آنان توانایی برقراری ارتباط متعالی با خود دیگران و دنیای مادی را دارا می باشند، خصلت های نیک انسانی و عمل به ارزشها در اینگونه مدیران بالا می باشد، توانایی های خود را در حد بالایی برآورد می کنند، بیشتر از آنچه می گویند، عمل می کنند، دانش آموزان در این گونه مدارس گمانی مثبت از تواناییهای خود دارند. گمان منفی از خود باعث کم تحرکی و ایستایی آنان در تحصیل و زندگی می شود. امید به خداوند اضطراب را در این دانش آموزان کمتر کرده برای حل مشکلات فردی، تحصیلی و خانوادگی خود حداکثر تلاش و کوشش را بکار می بندند خطرات احتمالی را می پذیرند نسبت به آینده و زندگی امیدوارند و مثبت می اندیشند این نتایج با یافته های پژوهش باقری (۱۳۸۸) هم سو می باشد. آنان به این نتایج رسیدند که میان سه متغیر هوش معنوی و شادکامی یعنی خودآگاهی متعالی و تجربیات معنوی و شکیبایی با نمره کل هوش معنوی و شادکامی پرستاران رابطه معنی دار خطی وجود دارد. همچنین نتیجه تحقیقات زارع بهرام آبادی (۱۳۹۲) نشان داد، روزه داری اسلامی با تقویت شکیبایی، بخشش، خود آگاهی متعالی و تجربیات معنوی قادر است هوش معنوی وشادکامی روزه داران را افزایش دهد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. برای تقویت آمادگی روانی دانش آموزان باید تفکر انتقادی مدیران را از مسائل و امور محیط های آموزشی گسترش داد.
۲. برای تقویت رضایت از درس، مدرسه، تحصیل و زندگی دانش آموزان باید معنای یابی شخصی مدیران را در این زمینه ها گسترش داد.
۳. برای تقویت معنا یابی شخصی مدیران، رفتارهای معنوی مرتبط با تحصیل دانش آموزان در محیط های مدرسه برای مدیران و معلمان برنامه ریزی نمود.
۴. مدیران می توانند جهت جلوگیری از یکنواختی امور ظاهری مدارس دانش آموزان را به شناسایی زیبایی های نهفته در خود، دیگران و محیط مدرسه ترغیب نمایند.
۵. جهت تقویت آموزش مؤلفه های هوش معنوی مدیران می توان ماهنامه ای در وزارت آموزش و پرورش برای این امر این امر تدارک دید.
۶. جهت خود کارآمدی و خود انگیزه نمودن دانش آموزان در محیط درس، مدرسه و زندگی باید مؤلفه های هوش معنوی مدیران را تبیین و تقویت نمود.
۷. جهت تقویت احساس زیبا شناختی دانش آموزان باید آنها را از روش های معمول فکر کردن به سوی روش های تازه و غیر عادی تفکر و آگاهی جهت کشف معلومات و یادگیری های جدید هدایت نمود و برای تقویت این امر باید هوشیاری مدیران را گسترش داد.
۸. باید توجه مدیران و دست اندرکاران را به این مهم جلب نمود که هوش معنوی، سازه هوش و معنویت را در خود جای داده و فراتر از معنویت بوده و معنویت نیز خود فراتر از مذهب است و مذهب تنها روش برای ارتباط با متعالی نیست، پس باید تقویت هوش معنوی را منحصر به برنامه های مذهبی در مدارس ندانست.
۹. تنظیم محتوای آموزشی کتب دانشگاهی مدیران و معلمان در جهت تقویت هوشیاری متعالی آنان.
۱۰. در مدیریت منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش برنامه هایی جهت آموزش تفکر انتقادی مدیران مدارس در نظر گرفته شود و زمینه های تشویق آنان به انتقادهای سازمانی، آموزشی و پرورشی فراهم گردد.
۱۱. آموزش و ایجاد راهکارهایی در جهت بالابردن هوش معنوی مدیران و معلمان در دانشگاه ها و مراکز تربیت معلم.
۱۲. تغییر جهت برنامه های مذهبی و معنوی مدارس از حیطه شناختی صرف به سمت حیطه عاطفی در جهت تقویت نگرش های معنوی و مذهبی مدیران، معلمان و دانش آموزان.

منابع و مآخذ فارسی

- ۱- ارغوانی، شهرناز (۱۳۸۳). «روابط متقابل بین خودکارآمد پنداری و ادراک حمایت از سوی خانواده، معلمان و دوستان نزدیک در ارتباط با رضایت از زندگی در نمونه‌هایی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران و نوآوری‌های آموزشی». فصلنامه علمی پژوهشی، سال سوم، شماره ۸.
- ۲- اسکیدمور و همکاران. (۲۰۰۱)، آموزش مهارت‌های ارتباطی زنانشویی، ترجمه فرشاد بهاری. (۱۳۸۳)، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- ۳- اکبرزاده، نسرين، (۱۳۸۳)، هوش هیجانی از دیدگاه سالوی و دیگران، تهران، انتشارات فارابی.
- ۴- بابایی کنایری، مازیار (۱۳۷۹)، جایگاه تیزهوشان در نظام آموزش و پرورش، نشریه اطلاعات.
- ۵- باغبان شوکت آبادی (۱۳۸۵)، مقایسه کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان کم توان ذهنی با دانش‌آموزان عادی مقطع ابتدایی شهرستان بیرجند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.
- ۶- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی دانشجویان، فصلنامه مطالعات روانشناختی، شماره ۳.
- ۷- بوهیم، بهاره (۱۳۸۹)، هوش معنوی: هوش یکپارچه کننده. مقاله پژوهشی بر گرفته از اینترنت.
- ۸- پیرخالقی، فریبا (۱۳۸۰). بررسی تاثیر برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه در کیفیت زندگی افراد معلول جسمی- حرکتی (۱۵-۶۵) سال در خمینی شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- ۹- تورنس و دیلیو دایر (۱۳۸۲). برای هر مشکلی راه حل معنوی وجود دارد. ترجمه: سیما فرجی (به نقل از عبدالله زاده)، تهران، انتشارات نسل نواندیش.
- ۱۰- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۵). «درآمدی بر هوش معنوی». فصلنامه معنا، ویژه‌نامه روانشناسی دین، شماره ۲.
- ۱۱- شادمرادلو، مهران. (۱۳۸۵)، «مقایسه نقش هوش هیجانی و هوش شناختی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران.
- ۱۲- صافی، احمد (۱۳۸۷). رابطه بین هوش معنوی و سلامت روان افراد ۱۵ سال به بالا. پایان‌نامه رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.
- ۱۳- صفری، خدیجه (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه نگرش افراد ناتوان ذهنی و افراد عادی نسبت به کیفیت زندگی و ابعاد آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۱۴- غباری، بنات، سلیمی، محمد، سلیمانی، لیلا، نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره دهم.
- ۱۵- قهرمان، آرش (۱۳۸۴). «بررسی تطبیقی رضایت از زندگی دانشجویان دختر و پسر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۱۶- گلמן، دانیل (۱۳۸۰). «هوش هیجانی: توانایی محبت کردن و محبت دیدن». ترجمه: نسرين پارسا، تهران، انتشارات رشد.
- ۱۷- گلמן، دانیل (۱۳۸۲). هوش هیجانی، ترجمه، پارسا، نسرين، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم.

- ۱۸- گلמן، دانیل. (۱۳۸۳). هوش هیجانی (خودآگاهی هیجانی، خویشتن داری، همدلی و یاری به دیگران). ترجمه پارسا، نسرين، تهران، انتشارت رشد.
- ۱۹- گوهری، صادق. (۱۳۸۷)، رابطه هوش هیجانی و رضایت مندی زناشویی، مجله، بصیرت، شماره ۳۶۱.
- ۲۰- محمدخانی، پروانه؛ دلاور، علی و محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹). کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده، نشریه اندیشه و رفتار، شماره ۲۲-۲۳.

منابع لاتین

1. Sisk, D. (2008), Engaging the Spiritual intelligence of Gifted students to build Global Awareness, Roeper review, 30 (1):24-30.
2. Sousa, G., & Sanja S. (2001), "Life satisfaction in Worrall (ED)
3. Encyclopedia of women and gender sex similarities and differences", Vol 2, pp: 667-676, Sandiego, Ca.
4. Taksic, Vladimir; Mohoric, Tamara (2006), Relationship between emotional intelligence and various indicators of quality of life, Journal of Psychosomatic Research.
5. Vaughan, F. (2001), what is spiritual intelligences, Journal of humanistic Psychology, 42 (2)
6. Vaughan, F. (2003), what is spiritual intelligences, Vol 42, 6-23, Journal of humanistic Psychology.
7. Veenhoven, R. (1999), Is happiness relative, Social Indicators Research, 24, argument against context in favor of needs approach.
8. Ventegodt, S., Merrick, J., & Anderson, N.J (2003), "Qol I. the I QOL Theory: an integrative theory of the global quality of life concept", The scientific world journal, Vol. 3, pp: 1030-1040. Wigglesworth, C. (2004), spiritual intelligences and why it matters, the innerwords messenger: A newsletter to spark the Inner journey, Retrived from internet: www.Conciouspursuit.com
9. Wong, C., & Low, k. (2002), The effect of leader and follower emotion intelligence on performance and attitude, journal of the leadership Quarterly, 73, 243-274.
10. Wong Chi-Sum, wong Ping-Man, & Chau so-Ling (2001), "Emotional Intelligence, Students" Attitudes towards Life and the Attainment of Education Goals: An Exploratory Study in Hong Kong, New Horizons in Education, No. 44, pages 1-114.

Investigating the Relationship between Spiritual Intelligence of Managers and Teachers on Happiness and Increasing Creativity and Innovation Among Elementary School Students in Noorabad Mamasani During the Academic Year 1403

Maryam Farrukhpour¹, Seyyed Mahmoud Dehghani², Seyyed Mehrnaz Dehghani³

1 -Bachelor's degree, Persian Gulf University Bushehr, Arabic Literature

2 -Master's degree, Educational Management, Noorabad Mamasani Branch Azad University, Iran.

3 -Master's degree, Educational Management, Noorabad Mamasani Azad University, Iran.

Abstract

Background and Objective: The world we live in is changing rapidly, and creative thinking is the key that allows us to face problems, adapt, and ultimately succeed. Creativity is an inherent characteristic of humans, especially children. Undoubtedly, human progress in life is the result of creativity and innovation. This characteristic can be affected by environmental factors and cause it to reach its peak, that is, flourishing. Among environmental factors, the role of parents, their education, can affect the child's talent. With urgent and specific hypotheses in this plan, it can be determined to what extent environmental conditions affect the child's talent and abilities. Educational environment, creativity and talent are factors that have a tolerable correlation. The purpose of the present study was to determine the relationship between the spiritual intelligence of managers and teachers on happiness and increasing creativity and innovation among elementary school students in Noorabad Mamasani city. **Method:** The research method was correlational research and the data collection method was fieldwork. The statistical population in this study was all managers and teachers in Noorabad Mamasani city, which is a total of 246 men and women in all grades. The sampling method was random. The sample consisted of 150 principals and teachers, especially elementary school teachers in Noorabad, Mamsani County. The measurement tools in this study included the 24-item King Spiritual Intelligence Questionnaire (2008) for school principals with a Cronbach's alpha coefficient of 808/ and the 29-item Oxford Argyle Happiness Questionnaire (2001) for students with a Cronbach's alpha coefficient of 0.798 and the 60-item Torrance Creativity Questionnaire. Descriptive statistics, frequency and mean tables and graphs, as well as inferential statistics, Pearson's correlation coefficient, and regression analysis were used to analyze the data. Based on the results obtained, there was a significant and positive relationship between the spiritual intelligence of principals and teachers and the happiness of students. Also, the spiritual intelligence of principals and teachers had the highest relationship with the variable of students' creativity.

Keywords: Spiritual Intelligence, Happiness, Creativity, Principals and Teachers, Elementary School Students
